

رابطه شخصیت انسان محور و بوم محور با حمایت از جرم انگاری اکوساید

سید شهریار برادران ساداتی

کارشناسی ارشد رشته روانشناسی شخصیت، مجتمع دانشگاهی ولایت (دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی) - سوهانک

چکیده

بحران های زیست محیطی در دهه های اخیر موجب افزایش توجه به شیوه نگرش انسان نسبت به طبیعت و آثار این نگرش بر رفتارهای زیست محیطی شده است. یکی از مفاهیم جدید در حوزه حقوق محیط زیست و حقوق کیفری بین المللی، اکوساید است که به طور کلی برای اشاره به تخریب گسترده و شدید محیط زیست به کار می رود و در سال های اخیر بحث درباره جرم انگاری آن در سطح بین المللی افزایش یافته است. در کنار ابعاد حقوقی این مفهوم، نگرش و شخصیت افراد نسبت به محیط زیست نیز می تواند در میزان حمایت آنان از جرم انگاری رفتارهای مخرب زیست محیطی نقش داشته باشد. در این زمینه، دو رویکرد مهم انسان محور و بوم محور قابل بررسی هستند. رویکرد انسان محور محیط زیست را عمدتاً از منظر منافع، رفاه و بقای انسان ارزش گذاری می کند، در حالی که رویکرد بوم محور برای طبیعت و اجزای آن ارزش مستقل از منافع مستقیم انسان قائل است. این تفاوت در نگرش می تواند بر نحوه ارزیابی تخریب محیط زیست و ضرورت واکنش کیفری به آن تأثیر بگذارد. فردی که نگرش بوم محور دارد، ممکن است حتی در مواردی که خسارت زیست محیطی پیامد فوری و مستقیمی برای انسان ندارد، تخریب طبیعت را دارای اهمیت اخلاقی و حقوقی بداند و از جرم انگاری آن حمایت کند. در مقابل، فردی با نگرش انسان محور ممکن است شدت و اهمیت تخریب محیط زیست را بیشتر بر اساس آثار آن بر سلامت، امنیت، اقتصاد و زندگی انسان ارزیابی کند. با این حال، نباید این دو رویکرد را ویژگی های شخصیتی کاملاً ثابت یا دو گروه کاملاً مجزا در نظر گرفت؛ زیرا نگرش های زیست محیطی تحت تأثیر عواملی مانند فرهنگ، آموزش، تجربه های شخصی، شرایط اقتصادی، ارزش های اخلاقی و آگاهی از بحران های محیط زیستی قرار دارند. مقاله حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی، رابطه میان نگرش انسان محور و بوم محور و میزان حمایت از جرم انگاری اکوساید را بررسی می کند و نشان می دهد که تفاوت در ارزش گذاری طبیعت می تواند یکی از عوامل مؤثر بر نگرش افراد نسبت به ضرورت ایجاد ضمانت اجرای کیفری برای شدیدترین اشکال تخریب محیط زیست باشد.

کلیدواژه ها: اکوساید، روان شناسی شخصیت، انسان محوری، بوم محوری، جرم انگاری، رفتار زیست محیطی، حقوق کیفری محیط زیست

۱- مقدمه

محیط زیست در دهه های اخیر از یک موضوع صرفاً علمی و اقتصادی به یکی از مهم ترین مسائل اخلاقی، اجتماعی و حقوقی تبدیل شده است. افزایش تغییرات اقلیمی، نابودی زیستگاه ها، کاهش تنوع زیستی، آلودگی گسترده و تخریب منابع طبیعی نشان داده است که رفتار انسان می تواند آثار گسترده و گاه جبران ناپذیری بر نظام های طبیعی ایجاد کند. در چنین شرایطی، علاوه بر بررسی عوامل اقتصادی، سیاسی و حقوقی تخریب محیط زیست، شناخت عوامل روان شناختی و شخصیتی مؤثر بر نگرش انسان نسبت به طبیعت نیز اهمیت پیدا می کند. انسان ها در ارزیابی محیط زیست و ضرورت حفاظت از آن دیدگاه یکسانی ندارند. برخی افراد طبیعت را عمدتاً به دلیل منفعتی که برای انسان فراهم می کند ارزشمند می دانند؛ برای مثال، جنگل ها را به دلیل تأمین منابع اقتصادی، تولید اکسیژن، تنظیم آب و هوا یا فراهم کردن شرایط مناسب برای زندگی انسان مهم می دانند.^۱ در مقابل، برخی دیگر معتقدند طبیعت و موجودات غیر انسانی صرف نظر از میزان سودی که برای انسان دارند، دارای ارزش ذاتی هستند و بنابراین تخریب آن ها از نظر اخلاقی و اجتماعی نادرست است. این تفاوت را می توان در قالب دو نگرش کلی انسان محور و بوم محور بررسی کرد. انسان محوری بر اولویت منافع و رفاه انسان تأکید دارد، در حالی که بوم محوری ارزش طبیعت را مستقل از منافع مستقیم انسان مورد توجه قرار می دهد.^۲ این دو نگرش می توانند بر نحوه واکنش افراد نسبت به تخریب محیط زیست نیز اثرگذار باشند. یکی از موضوعاتی که در این زمینه اهمیت ویژه ای پیدا کرده، مفهوم «اکوساید» است. اکوساید در ادبیات حقوقی معاصر برای توصیف شدیدترین اشکال تخریب محیط زیست به کار می رود و پیشنهادهایی برای شناسایی آن به عنوان یک جرم بین المللی مطرح شده است.^۳ اهمیت این مفهوم از آن جهت است که در صورت جرم انگاری، برخی رفتارهای شدید و گسترده علیه محیط زیست می توانند علاوه بر مسئولیت های مدنی یا اداری، با پاسخ کیفری نیز مواجه شوند. با این حال، حمایت عمومی از چنین اقدامی در میان افراد و جوامع ممکن است یکسان نباشد. میزان اهمیت دادن به طبیعت، نوع نگاه به رابطه انسان و محیط زیست و ارزش هایی که افراد در تصمیم گیری های خود در نظر می گیرند، می تواند بر دیدگاه آنان نسبت به جرم انگاری اکوساید تأثیر بگذارد.^۴ از این منظر، روان شناسی شخصیت می تواند در کنار مطالعات حقوقی و زیست محیطی، ابزار مفیدی برای فهم تفاوت های فردی در نگرش نسبت به جرم انگاری تخریب شدید محیط زیست فراهم کند. البته باید میان «شخصیت» به معنای دقیق روان شناختی و «نگرش زیست محیطی» تفاوت قائل شد؛ زیرا انسان محوری و بوم محوری الزاماً صفات شخصیتی مستقل و ثابت نیستند، بلکه بیشتر به عنوان چارچوب های ارزشی و نگرشی برای تحلیل رابطه انسان و طبیعت مورد استفاده قرار می گیرند.^۵ بر همین اساس، هدف این مقاله بررسی این پرسش است که آیا نوع نگرش افراد نسبت به ارزش طبیعت می تواند با میزان حمایت آنان از جرم انگاری اکوساید ارتباط داشته باشد و در صورت وجود چنین ارتباطی، تفاوت میان نگرش انسان محور و بوم محور چگونه قابل توضیح است.

^۱ Zhang, Daowei, and Anne Stenger. "Value and valuation of forest ecosystem services." *Journal of Environmental Economics and Policy* ۴, no. ۲ (۲۰۱۵): ۱۲۹-۱۴۰. P. ۱۳۰.

^۲ Kortenkamp, Katherine V., and Colleen F. Moore. "Ecocentrism and anthropocentrism: Moral reasoning about ecological commons dilemmas." *Journal of environmental psychology* ۲۱, no. ۳ (۲۰۰۱): ۲۶۱-۲۷۲.

^۳ Jodyvash, Mohammadreza. "The Feasibility of Ecocide as a Solution to the Climate Crisis." *International Community Law Review* ۲۸, no. ۴ (۲۰۲۶): ۳۱۶-۳۵۲.

^۴ Killeen, Rachel, and Elizabeth Newton. "From ecocide to ecocentrism: Conceptualising environmental victimhood at the International Criminal Court." *International Review of Victimology* ۳۱, no. ۲ (۲۰۲۵): ۲۳۸-۲۶۴.

^۵ محمدپور، فراهانی، حجت اله و آزادفلاح. «تبیین رابطه صفات شخصیت و رفتارهای حفاظت از محیط زیست با نقش واسطه ای دلبستگی به مکان». پژوهش های روان شناسی اجتماعی، سال ۱۳، شماره ۵۱ (۲۰۲۳): ۱۹-۳۲، صص. ۲۲-۲۳.

۱. شخصیت انسان محور و بوم محور و نگرش نسبت به محیط زیست

نگرش انسان محور و بوم محور را می توان دو شیوه متفاوت برای ارزیابی رابطه انسان و طبیعت دانست. در نگرش انسان محور، ارزش محیط زیست عمدتاً از ارتباط آن با زندگی و رفاه انسان ناشی می شود. بر اساس این دیدگاه، جنگل، رودخانه، دریا، حیوانات و سایر عناصر طبیعی زمانی اهمیت بیشتری پیدا می کنند که حفاظت از آن ها به سلامت، امنیت، اقتصاد یا کیفیت زندگی انسان کمک کند. برای مثال، در یک نگرش کاملاً انسان محور، تخریب یک جنگل ممکن است زمانی اهمیت بسیار زیادی پیدا کند که موجب آلودگی هوا، کاهش منابع آب، از بین رفتن فرصت های شغلی یا تهدید سلامت انسان شود.^۱ در مقابل، نگرش بوم محور ارزش طبیعت را تنها به منافع انسان محدود نمی کند و برای اکوسیستم ها، گونه های جانوری و گیاهی و فرایندهای طبیعی ارزش مستقل قائل می شود.^۲ بنابراین، از دیدگاه بوم محور، حتی اگر تخریب یک زیست بوم پیامد فوری و قابل مشاهده ای برای انسان نداشته باشد، می تواند به دلیل آسیب به خود طبیعت دارای اهمیت اخلاقی و حقوقی باشد. این تفاوت در ارزش گذاری می تواند در نحوه قضاوت درباره رفتارهای زیست محیطی نیز آشکار شود. برای نمونه، فرض کنیم فعالیت صنعتی گسترده ای موجب نابودی یک زیستگاه طبیعی و انقراض یک گونه جانوری شود، اما در کوتاه مدت آثار مستقیمی بر زندگی انسان ها نداشته باشد. فردی با نگرش انسان محور ممکن است اهمیت این خسارت را عمدتاً بر اساس پیامدهای احتمالی آن برای انسان ارزیابی کند، در حالی که فرد دارای نگرش بوم محور ممکن است خود نابودی زیستگاه و گونه جانوری را خسارتی جدی و مستقل بداند. از این رو، تفاوت در نگرش می تواند بر ارزیابی ضرورت جرم انگاری چنین رفتاری نیز اثر بگذارد. فرد بوم محور ممکن است استدلال کند که شدیدترین اشکال تخریب طبیعت باید حتی در مواردی که خسارت مستقیم انسانی آن ها دشوار است، با واکنش کیفری مواجه شوند؛ زیرا ارزش مورد حمایت تنها سلامت یا رفاه انسان نیست، بلکه تمامیت اکوسیستم نیز اهمیت دارد. در مقابل، نگرش انسان محور ممکن است از جرم انگاری اکوساید حمایت کند، اما دامنه آن را بیشتر به مواردی محدود کند که تخریب محیط زیست آثار شدید و قابل اثباتی بر انسان داشته باشد.^۳ با این حال، نباید چنین تفاوتی را مطلق دانست. فردی که نگرش انسان محور دارد نیز ممکن است از جرم انگاری اکوساید حمایت گسترده ای داشته باشد، زیرا تخریب شدید محیط زیست در نهایت می تواند تهدیدی برای نسل های آینده، سلامت عمومی و امنیت اقتصادی باشد. به همین ترتیب، فرد بوم محور نیز ممکن است درباره نحوه طراحی یک جرم زیست محیطی، شرایط مسئولیت کیفری یا میزان مجازات دیدگاه های متفاوتی داشته باشد. بنابراین، رابطه میان نگرش زیست محیطی و حمایت از جرم انگاری باید به عنوان یک رابطه احتمالی و چندعاملی بررسی شود، نه یک رابطه قطعی. عوامل دیگری مانند سطح آگاهی محیط زیستی، تحصیلات، فرهنگ، تجربه مستقیم از آلودگی یا تخریب محیط زیست، ارزش های اخلاقی و اعتماد به نظام حقوقی نیز می توانند بر نگرش افراد تأثیر بگذارند. در این میان، مفهوم همدلی نیز اهمیت دارد؛ زیرا افرادی که توانایی بیشتری برای در نظر گرفتن آثار رفتار خود بر موجودات دیگر یا نسل های آینده دارند، ممکن است حساسیت بیشتری نسبت به تخریب گسترده محیط زیست نشان دهند. همچنین مسئولیت پذیری و توجه به پیامدهای بلندمدت تصمیمات می تواند نگرش افراد نسبت به ضرورت وضع قواعد کیفری برای حفاظت از محیط زیست را تحت تأثیر قرار دهد.^۴ بنابراین، اگرچه انسان محوری و بوم محوری را نمی توان به سادگی معادل دو نوع شخصیت دانست، این دو چارچوب نگرشی می توانند برای تحلیل تفاوت های فردی در ارزیابی محیط زیست و واکنش حقوقی به تخریب آن مورد استفاده قرار گیرند.

از سوی دیگر، تفاوت میان نگرش انسان محور و بوم محور می تواند در نحوه ارزیابی مسئولیت افراد و سازمان ها در قبال تخریب محیط زیست نیز اهمیت پیدا کند. در نگرش انسان محور، مسئولیت در برابر محیط زیست تا حد زیادی از وظیفه حمایت از انسان ها ناشی

^۱ Zhang, Daowei, and Anne Stenger. "Value and valuation of forest ecosystem services." *Journal of Environmental Economics and Policy* ۴, no. ۲ (۲۰۱۵): ۱۲۹-۱۴۰.

^۲ Kopnina, Helen, Haydn Washington, Bron Taylor, and John J Piccolo. "Anthropocentrism: More than just a misunderstood problem." *Journal of Agricultural and Environmental Ethics* ۳۱, no. ۱ (۲۰۱۸): ۱۰۹-۱۲۷.

^۳ Killean, Rachel, and Elizabeth Newton. "From ecocide to ecocentrism: Conceptualising environmental victimhood at the International Criminal Court." *International Review of Victimology* ۳۱, no. ۲ (۲۰۲۵): ۲۳۸-۲۶۴.

^۴ یاری قلی بهبود و بهادری خسروشاهی، جعفر. «بررسی تطبیقی مفهوم همدلی از منظر روان شناسی و مبانی اسلامی». (۲۰۱۸): ۱۵۵-۱۶۳، صص. ۱۵۶-۱۵۹.

می شود. بر این اساس، هنگامی که یک فعالیت اقتصادی یا صنعتی موجب تخریب شدید منابع طبیعی می شود، اهمیت حقوقی و اخلاقی آن را می توان بر اساس پیامدهایی مانند تهدید سلامت عمومی، کاهش منابع آب، آسیب به امنیت غذایی، افزایش فقر یا کاهش کیفیت زندگی جوامع انسانی ارزیابی کرد. در این چارچوب، حمایت از محیط زیست در نهایت با حمایت از انسان ارتباط پیدا می کند و حفاظت از طبیعت ابزاری برای حفظ شرایط مناسب زندگی انسان تلقی می شود. در مقابل، نگرش بوم محور تلاش می کند این رابطه را از وابستگی کامل به منافع انسانی خارج کند. در این دیدگاه، انسان تنها یکی از اجزای یک نظام زیست محیطی گسترده تر است و نمی تواند ارزش سایر موجودات و اکوسیستم ها را صرفاً بر اساس میزان فایده آن ها برای خود تعیین کند.^۱ بنابراین، مسئولیت در برابر محیط زیست می تواند حتی در مواردی وجود داشته باشد که خسارت ایجاد شده آثار مستقیم و فوری بر انسان نداشته باشد. این تفاوت در مورد اکوساید اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا یکی از مسائل اساسی در بحث جرم انگاری آن، تعیین این موضوع است که آیا برای شناسایی یک رفتار به عنوان جرم، باید حتماً آسیب جدی به انسان ها اثبات شود یا اینکه تخریب شدید خود اکوسیستم نیز می تواند مبنای مسئولیت کیفری قرار گیرد. نگرش بوم محور می تواند از دیدگاه دوم حمایت بیشتری کند، زیرا ارزش اکوسیستم را مستقل از منافع انسانی مورد توجه قرار می دهد. برای مثال، نابودی گسترده یک تالاب ممکن است در کوتاه مدت آسیب مستقیمی به جمعیت انسانی وارد نکند، اما از بین رفتن زیستگاه گونه های مختلف، کاهش تنوع زیستی و برهم خوردن تعادل طبیعی می تواند از منظر بوم محور به تنهایی خسارتی قابل توجه محسوب شود. در مقابل، یک نگرش انسان محور ممکن است اهمیت این تخریب را بیشتر بر اساس آثار آن بر انسان های حاضر یا نسل های آینده ارزیابی کند.^۲ با این حال، مرز میان این دو رویکرد همیشه روشن نیست؛ زیرا حتی تخریب هایی که در ابتدا صرفاً به طبیعت آسیب می رسانند، ممکن است در بلندمدت پیامدهای گسترده ای برای انسان داشته باشند. نابودی جنگل ها، کاهش تنوع زیستی و تخریب منابع آبی می تواند در طول زمان بر آب و هوا، سلامت عمومی، اقتصاد و امنیت غذایی تأثیر بگذارد. بنابراین، حتی افرادی که عمدتاً نگرش انسان محور دارند نیز ممکن است از حمایت کیفری گسترده از محیط زیست پشتیبانی کنند. در این زمینه، تفاوت میان دو نگرش بیشتر در نقطه شروع استدلال آن ها دیده می شود تا لزوماً در نتیجه نهایی. فرد بوم محور ممکن است بگوید طبیعت به دلیل ارزش ذاتی خود باید مورد حمایت قرار گیرد، در حالی که فرد انسان محور ممکن است همان حمایت را با استناد به ضرورت حفظ شرایط زندگی انسان توجیه کند. از منظر روان شناسی شخصیت نیز توجه به این تفاوت اهمیت دارد، زیرا نحوه ارزش گذاری طبیعت می تواند با ویژگی هایی مانند همدلی، نوع دوستی، مسئولیت پذیری و توجه به پیامدهای بلندمدت رفتار ارتباط داشته باشد. افرادی که در تصمیم گیری های خود پیامدهای رفتارشان بر دیگران، موجودات غیر انسانی و نسل های آینده را بیشتر در نظر می گیرند، ممکن است حساسیت بیشتری نسبت به تخریب گسترده محیط زیست داشته باشند.^۳ در نتیجه، مطالعه نگرش های انسان محور و بوم محور می تواند به شناخت بهتر عوامل روان شناختی مؤثر بر حمایت اجتماعی از جرم انگاری اکوساید کمک کند. چنین رویکردی همچنین نشان می دهد که جرم انگاری اکوساید تنها نتیجه تحولات حقوقی نیست، بلکه می تواند تحت تأثیر تغییر نگرش های اخلاقی و اجتماعی نسبت به رابطه انسان و طبیعت نیز قرار گیرد.

از این منظر، تفاوت میان دو نگرش می تواند در تعیین مبنای مسئولیت کیفری در قبال تخریب محیط زیست نیز آشکار شود. اگر مسئولیت کیفری عمدتاً بر حمایت از منافع انسانی استوار باشد، اثبات ارتباط میان رفتار مرتکب و آسیب وارد شده به انسان ها اهمیت بیشتری پیدا می کند. در چنین شرایطی، برای مثال، تخریب یک جنگل یا تالاب زمانی می تواند مبنای قوی تری برای مسئولیت کیفری ایجاد کند که بتوان نشان داد این رفتار موجب آلودگی منابع آب، کاهش امنیت غذایی، تهدید سلامت عمومی یا آسیب به معیشت جوامع انسانی شده است.^۴ در مقابل، رویکرد بوم محور می تواند مبنای متفاوتی برای مسئولیت ارائه دهد؛ زیرا در این رویکرد، آسیب به یک

^۱ Ibid, Zhang, Daowei, and Anne Stenger.

^۲ Taylor, Bron, Guillaume Chapron, Helen Kopnina, Ewa Orlikowska, Joe Gray, and John J. Piccolo. "The need for ecocentrism in biodiversity conservation." *Conservation Biology* ۳۴, no. ۵ (۲۰۲۰): ۱۰۸۹-۱۰۹۶. P. ۱۰۹۱.

^۳ Rottman, Joshua, Deborah Kelemen, and Liane Young. "Hindering harm and preserving purity: How can moral psychology save the planet?." *Philosophy Compass* ۱۰, no. ۲ (۲۰۱۵): ۱۳۴-۱۴۴. P. ۱۳۵

^۴ Mayers, Solomon. "Greening the International Criminal Court: A Critical Inquiry into Environmental Liability under the Rome Statute." *Edinburgh Student Law Review* ۶, no. ۱ (۲۰۲۶). Pp. ۱۰-۱۱

اکوسیستم صرفاً به دلیل پیامدهای آن برای انسان اهمیت ندارد، بلکه تخریب خود اکوسیستم نیز می تواند موضوع حمایت حقوقی باشد. در نتیجه، در نظامی که ارزش های بوم محور در تعیین حدود جرم اکوساید نقش بیشتری داشته باشند، ممکن است برای شناسایی رفتار مجرمانه، اثبات خسارت مستقیم به انسان ها ضرورت نداشته باشد و شدت و گستردگی آسیب وارد شده به محیط زیست نیز به عنوان یکی از معیارهای اصلی مورد توجه قرار گیرد. این موضوع در مورد مسئولیت شرکت ها و سازمان های بزرگ اهمیت بیشتری پیدا می کند؛ زیرا بخش قابل توجهی از تخریب های گسترده محیط زیست ناشی از فعالیت های صنعتی، استخراجی، کشاورزی یا زیرساختی است که در آن تصمیم گیری میان چندین مدیر، نهاد و شخص حقوقی توزیع شده است. در نگرش انسان محور، مسئولیت این اشخاص ممکن است بیشتر بر اساس میزان آسیبی که فعالیت آن ها به جوامع انسانی وارد کرده است ارزیابی شود. اما رویکرد بوم محور می تواند توجه بیشتری به خود فرایند تخریب و پیامد آن برای اکوسیستم داشته باشد. این تفاوت به ویژه زمانی اهمیت پیدا می کند که خسارت زیست محیطی گسترده باشد، اما آثار انسانی آن هنوز به طور کامل آشکار نشده باشد. برای مثال، ممکن است یک فعالیت صنعتی موجب تخریب تدریجی یک زیستگاه یا کاهش شدید تنوع زیستی شود، در حالی که آثار مستقیم آن بر سلامت یا زندگی انسان ها سال ها بعد ظاهر شود.^۱ در چنین مواردی، رویکرد بوم محور می تواند استدلال قوی تری برای مداخله زودهنگام حقوق کیفری فراهم کند، زیرا ضرورت حمایت از اکوسیستم را وابسته به تحقق خسارت انسانی نمی داند.

با این حال، پذیرش چنین رویکردی با چالش هایی نیز همراه است. حقوق کیفری باید رفتارهای ممنوع را به گونه ای تعریف کند که افراد و سازمان ها بتوانند حدود مسئولیت خود را پیش بینی کنند. بنابراین، حتی اگر ارزش ذاتی طبیعت به رسمیت شناخته شود، نمی توان هر نوع تغییر یا آسیب به محیط زیست را جرم تلقی کرد. فعالیت های اقتصادی و اجتماعی انسان در بسیاری از موارد به طور اجتناب ناپذیر موجب تغییر در محیط طبیعی می شوند و تعیین اینکه چه میزان از این تغییرات باید به عنوان جرم شناخته شود، نیازمند معیارهای مشخص است. از این رو، نگرش بوم محور می تواند در تعیین «ارزش مورد حمایت» نقش داشته باشد، اما برای ایجاد مسئولیت کیفری همچنان باید عناصری مانند شدت خسارت، گستردگی آن، ماندگاری آثار، رابطه سببیت و وضعیت ذهنی مرتکب مشخص شود.^۲ به عبارت دیگر، ارزش گذاری مستقل طبیعت می تواند مبنای نظری جرم انگاری اکوساید را تقویت کند، اما به تنهایی برای تعیین عناصر یک جرم کیفری کافی نیست. از سوی دیگر، نگرش انسان محور نیز با توجه به مفهوم نسل های آینده می تواند دامنه قابل توجهی برای حمایت کیفری از محیط زیست ایجاد کند. بسیاری از خسارات زیست محیطی ممکن است در زمان وقوع، آسیب آشکاری به انسان وارد نکنند، اما آثار آن ها در آینده ظاهر شود. تخریب جنگل ها، نابودی منابع آب و کاهش تنوع زیستی می تواند ظرفیت اکوسیستم ها برای تأمین نیازهای انسانی را کاهش دهد و در بلندمدت سلامت، امنیت غذایی و شرایط اقتصادی جوامع را تحت تأثیر قرار دهد.^۳ بنابراین، حتی در یک نظام حقوقی با مبنای عمدتاً انسان محور، می توان از جرم انگاری رفتارهایی که تهدید جدی برای منافع نسل های آینده ایجاد می کنند دفاع کرد. تفاوت اصلی در اینجا آن است که در رویکرد انسان محور، ارزش محیط زیست از ارتباط آن با زندگی و رفاه انسان ناشی می شود، در حالی که در رویکرد بوم محور، این ارزش می تواند مستقل از چنین ارتباطی مورد شناسایی قرار گیرد.

در نتیجه، می توان گفت نگرش انسان محور و بوم محور بیش از آنکه دو پاسخ کاملاً متضاد به جرم انگاری اکوساید باشند، دو مبنای متفاوت برای توجیه و تعیین حدود حمایت کیفری از محیط زیست ارائه می کنند. نگرش انسان محور بر پیامدهای تخریب برای انسان ها و نسل های آینده تأکید دارد، در حالی که نگرش بوم محور بر ارزش مستقل اکوسیستم ها، گونه های زیستی و فرایندهای طبیعی تمرکز می کند. این تفاوت می تواند بر نحوه تعریف خسارت، تعیین آستانه جرم، ارزیابی مسئولیت مرتکب و حتی نوع واکنش کیفری تأثیر بگذارد. با این حال، در عمل ممکن است این دو رویکرد به نتایج مشابهی برسند؛ زیرا بسیاری از خساراتی که به محیط زیست وارد می شوند، همزمان

^۱ Isbell, Forest, David Tilman, Stephen Polasky, and Michel Loreau. "The biodiversity-dependent ecosystem service debt." *Ecology letters* ۱۸, no. ۲ (۲۰۱۵): ۱۱۹-۱۳۴. P. ۱۱۹

^۲ Minkova, Liana Georgieva. "Ecocide, sustainable development and critical environmental law insights." *Journal of International Criminal Justice* ۲۲, no. ۱ (۲۰۲۴): ۸۱-۹۷. Pp. ۸۲-۸۴

^۳ Foley, Jonathan A., Ruth DeFries, Gregory P. Asner, Carol Barford, Gordon Bonan, Stephen R. Carpenter, F. Stuart Chapin et al. "Global consequences of land use." *science* ۳۰۹, no. ۵۷۳۴ (۲۰۰۵): ۵۷۰-۵۷۴.

هم به اکوسیستمها آسیب می‌رسانند و هم منافع انسان‌ها را در کوتاه‌مدت یا بلندمدت تهدید می‌کنند. بنابراین، بررسی رابطه میان نگرش‌های زیست‌محیطی و حمایت از جرم‌انگاری اکوساید نباید بر اساس یک دوگانه ساده انجام شود، بلکه باید بررسی کند که افراد با چه مبنایی ارزش طبیعت را تعیین می‌کنند، چه نوع خسارتی را شدید و غیرقابل قبول می‌دانند و تا چه اندازه استفاده از حقوق کیفری را برای مقابله با این خسارت ضروری تلقی می‌کنند. از این منظر، مطالعه این نگرش‌ها می‌تواند ارتباط میان ارزش‌های اخلاقی، ادراک افراد از مسئولیت و پذیرش اجتماعی جرم‌انگاری اکوساید را روشن‌تر کند.

۲- رابطه نگرش انسان‌محور و بوم‌محور با حمایت از جرم‌انگاری اکوساید

جرم‌انگاری اکوساید را می‌توان یکی از مهم‌ترین تحولات احتمالی در حوزه حقوق کیفری محیط زیست دانست؛ زیرا هدف آن ایجاد مسئولیت کیفری برای شدیدترین اشکال تخریب محیط زیست است. بحث درباره این مفهوم تنها یک مسئله حقوقی نیست، بلکه به نوع نگاه جامعه به ارزش محیط زیست نیز ارتباط دارد. هنگامی که محیط زیست صرفاً از منظر منافع انسانی ارزش‌گذاری شود، حمایت کیفری از آن ممکن است عمدتاً بر اساس میزان خسارتی توجیه شود که به انسان‌ها وارد می‌کند. در چنین رویکردی، تخریب گسترده یک رودخانه، جنگل یا زیستگاه طبیعی زمانی از اهمیت کیفری بیشتری برخوردار خواهد بود که بتوان آثار آن را بر سلامت، امنیت غذایی، اقتصاد، مسکن یا سایر منافع انسانی نشان داد.^۱ در مقابل، رویکرد بوم‌محور می‌تواند مبنای گسترده‌تری برای حمایت از جرم‌انگاری اکوساید فراهم کند؛ زیرا در این نگرش، خود اکوسیستم و موجودات غیرانسانی نیز بخشی از ارزش مورد حمایت محسوب می‌شوند. بر این اساس، تخریب گسترده و شدید یک اکوسیستم می‌تواند حتی در شرایطی که آثار فوری آن بر انسان محدود باشد، مستحق واکنش حقوقی و کیفری تلقی شود.^۲ این تفاوت در نگرش به‌ویژه در تعیین حدود جرم اکوساید اهمیت پیدا می‌کند. اگر تعریف اکوساید صرفاً بر خسارات انسانی متمرکز شود، ممکن است برخی اشکال تخریب شدید طبیعت که آثار انسانی آن‌ها در کوتاه‌مدت آشکار نیست، خارج از قلمرو حمایت کیفری قرار گیرند. اما اگر ارزش ذاتی طبیعت نیز در نظر گرفته شود، دامنه حمایت می‌تواند به حفاظت از تمامیت اکوسیستم‌ها و تنوع زیستی نیز توجه کند. در نتیجه، نگرش بوم‌محور از نظر نظری می‌تواند حمایت گسترده‌تری از جرم‌انگاری تخریب شدید محیط زیست ایجاد کند. با این حال، جرم‌انگاری اکوساید تنها به پذیرش ارزش طبیعت وابسته نیست. حقوق کیفری برای ایجاد یک جرم مستقل به عناصر مشخصی مانند رفتار ممنوع، آستانه شدت خسارت، رابطه میان رفتار و نتیجه و شرایط مسئولیت کیفری نیاز دارد. بنابراین، حتی اگر یک فرد از نظر اخلاقی و زیست‌محیطی دارای نگرش بوم‌محور باشد، ممکن است درباره نحوه تبدیل این ارزش‌ها به یک جرم کیفری مشخص دیدگاه متفاوتی داشته باشد. از سوی دیگر، افراد دارای نگرش انسان‌محور نیز ممکن است از جرم‌انگاری اکوساید حمایت کنند؛ زیرا تخریب شدید محیط زیست می‌تواند مستقیماً حقوق و منافع انسان‌ها، به‌ویژه نسل‌های آینده، را تهدید کند.^۳ برای مثال، نابودی گسترده منابع آب یا جنگل‌ها ممکن است آثار بلندمدتی بر سلامت عمومی، امنیت غذایی و اقتصاد داشته باشد. بنابراین، انسان‌محوری لزوماً به معنای مخالفت با حمایت کیفری از محیط زیست نیست، بلکه ممکن است مبنای متفاوتی برای توجیه این حمایت ارائه کند. در واقع، می‌توان تصور کرد که هر دو نگرش در نقطه‌ای مشترک به حمایت از جرم‌انگاری اکوساید برسند، اما دلایل آن‌ها متفاوت باشد. فرد بوم‌محور ممکن است بر ارزش مستقل طبیعت و ضرورت حفاظت از تمامیت اکوسیستم‌ها تأکید کند، در حالی

^۱ Vincenzo, E. L. A. "Ecocide to Effectively stimulate the integration of international environmental and criminal laws." *Asian Journal of International Law* ۱۶, no. ۱ (۲۰۲۶): ۱-۱۲. P.۸

^۲ Mikkelsen, Gregory M., and Colin A. Chapman. "Individualistic Environmental Ethics." *Environmental Ethics* ۳۶, no. ۳ (۲۰۱۴): ۳۳۳-۳۳۸. P.۳۳۳

^۳ Robinson, Darryl. "Humans matter too: a misanthropic misunderstanding of ecocentrism is derailing the ecocide debate." *The International Journal of Human Rights* (۲۰۲۶): ۱-۲۱.

که فرد انسان محور ممکن است حفاظت از محیط زیست را به دلیل نقش آن در حفظ زندگی و رفاه انسان ضروری بداند. این موضوع نشان می دهد که حمایت از جرم انگاری اکوساید را نمی توان صرفاً بر اساس یک ویژگی شخصیتی پیش بینی کرد. افزون بر این، نگرش افراد می تواند در نتیجه آموزش، تجربه های شخصی و افزایش آگاهی درباره آثار تخریب محیط زیست تغییر کند. فردی که در ابتدا محیط زیست را عمدتاً از منظر اقتصادی ارزیابی می کند، ممکن است پس از آشنایی با پیامدهای تغییرات اقلیمی یا نابودی تنوع زیستی، نگرش گسترده تری نسبت به ارزش طبیعت پیدا کند.^۱ از این رو، ارتباط میان شخصیت، نگرش زیست محیطی و حمایت از جرم انگاری اکوساید باید به صورت چندبعدی مورد مطالعه قرار گیرد. پژوهش های تجربی آینده می توانند با استفاده از مقیاس های سنجش انسان محوری و بوم محوری، در کنار سنجش نگرش افراد نسبت به جرم انگاری اکوساید، بررسی کنند که آیا میان این متغیرها رابطه آماری معناداری وجود دارد یا خیر. چنین پژوهشی می تواند به درک بهتر عوامل روان شناختی مؤثر بر حمایت اجتماعی از سیاست های کیفری محیط زیست کمک کند و نشان دهد که چگونه ارزش های اخلاقی و نگرش افراد نسبت به طبیعت می توانند بر پذیرش یا مخالفت آنان با توسعه حقوق کیفری محیط زیست اثر بگذارند.

جرم انگاری اکوساید را می توان یکی از مهم ترین تحولات احتمالی در حقوق کیفری محیط زیست دانست؛ زیرا هدف آن ایجاد مسئولیت کیفری در برابر شدیدترین اشکال تخریب محیط زیست است. بحث درباره اکوساید تنها یک مسئله حقوقی نیست، بلکه با نوع نگاه جامعه به ارزش محیط زیست نیز ارتباط دارد. اگر محیط زیست صرفاً بر اساس منافع انسان ارزش گذاری شود، حمایت کیفری از آن نیز بیشتر بر میزان خسارتی متمرکز خواهد بود که به انسان ها وارد می شود. در این حالت، تخریب گسترده یک رودخانه، جنگل یا زیستگاه طبیعی زمانی اهمیت کیفری بیشتری پیدا می کند که بتوان آثار آن را بر سلامت، امنیت غذایی، اقتصاد، مسکن یا سایر منافع انسانی نشان داد. در مقابل، رویکرد بوم محور می تواند مبنای گسترده تری برای حمایت از جرم انگاری اکوساید فراهم کند؛ زیرا در این رویکرد، خود اکوسیستم ها و موجودات غیر انسانی نیز دارای ارزش هستند. بنابراین، تخریب شدید یک اکوسیستم می تواند حتی در شرایطی که آثار فوری و مستقیمی بر انسان ها نداشته باشد، مستحق واکنش حقوقی و کیفری تلقی شود.^۲ این تفاوت در نگرش، به ویژه در تعیین حدود جرم اکوساید اهمیت دارد. اگر تعریف اکوساید تنها بر خسارات وارده به انسان ها تمرکز کند، ممکن است برخی از شدیدترین اشکال تخریب طبیعت که آثار انسانی آن ها در کوتاه مدت آشکار نیست، خارج از حمایت کیفری قرار گیرند. اما اگر ارزش مستقل طبیعت نیز مورد توجه قرار گیرد، حمایت کیفری می تواند تمامیت اکوسیستم ها و تنوع زیستی را نیز دربرگیرد. با این حال، جرم انگاری اکوساید تنها به پذیرش ارزش طبیعت وابسته نیست، بلکه برای ایجاد یک جرم مستقل، وجود عناصری مانند رفتار ممنوع، میزان و شدت خسارت، رابطه میان رفتار و نتیجه و شرایط مسئولیت کیفری ضروری است. به همین دلیل، حتی افرادی که نگرش بوم محور دارند ممکن است درباره نحوه تبدیل این ارزش ها به یک جرم کیفری مشخص، دیدگاه های متفاوتی داشته باشند. از سوی دیگر، افراد دارای نگرش انسان محور نیز ممکن است از جرم انگاری اکوساید حمایت کنند؛ زیرا تخریب شدید محیط زیست می تواند حقوق و منافع انسان ها، به ویژه نسل های آینده، را تهدید کند. برای مثال، نابودی گسترده منابع آب یا جنگل ها می تواند در بلندمدت بر سلامت عمومی، امنیت غذایی و اقتصاد تأثیر بگذارد. بنابراین، انسان محوری لزوماً به معنای مخالفت با حمایت کیفری از محیط زیست نیست، بلکه می تواند مبنای متفاوتی برای توجیه این حمایت ارائه دهد. در واقع، هر دو رویکرد ممکن است در نهایت از جرم انگاری اکوساید حمایت کنند، اما دلایل آن ها متفاوت باشد. فرد بوم محور ممکن است بر ارزش مستقل طبیعت و ضرورت حفاظت از اکوسیستم ها تأکید کند، در حالی که فرد انسان محور ممکن است حفاظت از محیط زیست را به دلیل اهمیت آن برای زندگی و رفاه انسان ضروری بداند.^۳ از این رو، حمایت از جرم انگاری اکوساید را نمی توان تنها بر اساس یک ویژگی شخصیتی پیش بینی کرد. علاوه بر این، نگرش افراد نسبت به محیط زیست می تواند تحت تأثیر عواملی مانند آموزش، تجربه های شخصی و افزایش آگاهی درباره پیامدهای تخریب محیط زیست تغییر کند. برای

^۱ Kortenkamp, Katherine V., and Colleen F. Moore. "Ecocentrism and anthropocentrism: Moral reasoning about ecological commons dilemmas." *Journal of environmental psychology* ۲۱, no. ۳ (۲۰۰۱): ۲۶۱-۲۷۲.

^۲ Gillett, Matthew. "'Human, all too human': the anthropocentricisation of ecocide." *The International Journal of Human Rights* ۳۰, no. ۶ (۲۰۲۶): ۱۲۹۲-۱۳۱۹.

^۳ Widiartana, Gregorius, Vincentius Patria Setyawan, and Ariesta Wibisono Anditya. "Ecocide as an environmental crime: urgency for legal reform in Indonesia." *Journal of Law, Environmental and Justice* ۳, no. ۲ (۲۰۲۵): ۲۶۸-۳۰۸.

مثال، فردی که در ابتدا محیط زیست را بیشتر از جنبه اقتصادی ارزیابی می کند، ممکن است پس از آشنایی با پیامدهای تغییرات اقلیمی یا نابودی تنوع زیستی، نگرش گسترده تری نسبت به ارزش طبیعت پیدا کند. بنابراین، رابطه میان شخصیت، نگرش زیست محیطی و حمایت از جرم انگاری اکوساید باید به صورت چندبعدی بررسی شود. پژوهش های تجربی آینده می توانند با استفاده از مقیاس های سنجش انسان محوری و بوم محوری و همچنین سنجش نگرش افراد نسبت به جرم انگاری اکوساید، بررسی کنند که آیا میان این متغیرها رابطه آماری معناداری وجود دارد یا خیر. چنین پژوهش هایی می توانند به شناخت بهتر عوامل روان شناختی مؤثر بر حمایت اجتماعی از سیاست های کیفری محیط زیست کمک کنند و نشان دهند که ارزش های اخلاقی و نگرش افراد نسبت به طبیعت چگونه می توانند بر پذیرش یا مخالفت آن ها با توسعه حقوق کیفری محیط زیست تأثیر بگذارند.

تفاوت میان نگرش انسان محور و بوم محور را می توان در نحوه تعیین «موضوع حمایت کیفری» در جرم اکوساید مشاهده کرد. در نگرش انسان محور، موضوع اصلی حمایت کیفری در نهایت انسان و منافع اوست و محیط زیست بیشتر به عنوان بستری برای تأمین زندگی و رفاه انسان مورد حمایت قرار می گیرد. بنابراین، در این رویکرد، شدت تخریب محیط زیست زمانی اهمیت بیشتری پیدا می کند که بتوان ارتباط آن را با آسیب به سلامت، امنیت، معیشت یا سایر حقوق و منافع انسانی نشان داد. در مقابل، نگرش بوم محور می تواند موضوع حمایت کیفری را از انسان فراتر برده و خود اکوسیستم، گونه های زیستی و فرایندهای طبیعی را نیز در قلمرو ارزش های مورد حمایت قرار دهد. این تفاوت می تواند در تعیین آستانه لازم برای تحقق اکوساید اهمیت داشته باشد؛ زیرا اگر معیار اصلی، آسیب به انسان باشد، ممکن است تخریب یک اکوسیستم تنها زمانی در قلمرو جرم قرار گیرد که پیامدهای انسانی آن به اندازه کافی شدید و قابل اثبات باشد، در حالی که در رویکرد بوم محور، شدت آسیب وارد شده به خود اکوسیستم نیز می تواند به تنهایی اهمیت حقوقی داشته باشد. از این منظر، بوم محوری می تواند زمینه نظری مناسب تری برای شناسایی خسارت های زیست محیطی مستقل از خسارت های انسانی فراهم کند، اما این امر به معنای آن نیست که هرگونه آسیب به طبیعت باید به جرم کیفری تبدیل شود؛ زیرا حقوق کیفری به دلیل شدت مداخله خود، نیازمند تعیین حدود روشن و قابل پیش بینی برای رفتار مجرمانه است.

در همین زمینه، یکی از مهم ترین مسائل در جرم انگاری اکوساید، تعیین مرز میان «خسارت زیست محیطی شدید» و تخریب های معمول یا قابل قبول در فعالیت های انسانی است. بسیاری از فعالیت های اقتصادی، صنعتی و عمرانی به طور طبیعی با تغییر در محیط زیست همراه هستند و نمی توان همه این تغییرات را جرم تلقی کرد. بنابراین، صرف وجود آسیب زیست محیطی برای تحقق اکوساید کافی نیست و باید سطحی از شدت، گستردگی یا ماندگاری خسارت تعیین شود. در اینجا نگرش بوم محور می تواند بر اهمیت حفظ تمامیت اکوسیستم تأکید کند، اما برای تبدیل این ارزش به یک قاعده کیفری، همچنان باید معیارهای عینی و قابل اندازه گیری وجود داشته باشد. به بیان دیگر، پذیرش ارزش ذاتی طبیعت می تواند در تعیین «چرایی» حمایت کیفری مؤثر باشد، اما به تنهایی پاسخگوی این پرسش نیست که «چه رفتاری» و «با چه میزان خسارتی» باید جرم شناخته شود.^۱ از این رو، میان مبنای اخلاقی جرم انگاری و عناصر فنی جرم باید تفکیک قائل شد. موضوع مهم دیگر، نقش نگرش های زیست محیطی در ارزیابی مسئولیت اشخاص و شرکت هاست. تخریب های گسترده محیط زیست در بسیاری از موارد نتیجه تصمیم یک فرد نیست، بلکه حاصل مجموعه ای از تصمیم های مدیریتی، فعالیت های صنعتی، سیاست های اقتصادی و اقدامات سازمانی است. در چنین شرایطی، نگرش انسان محور ممکن است مسئولیت کیفری را بیشتر بر اساس آثار رفتار بر جوامع انسانی و حقوق اشخاص توجیه کند، در حالی که نگرش بوم محور می تواند بر مسئولیت در برابر خود طبیعت و اکوسیستم های آسیب دیده تأکید بیشتری داشته باشد. این مسئله در مورد شرکت های بزرگ و فعالیت های فرامرزی اهمیت بیشتری پیدا می کند؛ زیرا ممکن است تصمیمی که در یک کشور اتخاذ می شود، آثار زیست محیطی آن در کشور یا منطقه دیگری ظاهر شود.^۲ بنابراین، گسترش نگرش بوم محور می تواند از نظر نظری به تقویت این دیدگاه کمک کند که مسئولیت در برابر تخریب شدید محیط زیست نباید

^۱ Minkova, Liana Georgieva. "Ecocide, sustainable development and critical environmental law insights." *Journal of International Criminal Justice* ۲۲, no. ۱ (۲۰۲۴): ۸۱-۹۷.

^۲ Bertram, Daniel. "Environmental justice "light"? Transnational tort litigation in the corporate anthropocene." *German Law Journal* ۲۳, no. ۵ (۲۰۲۲): ۷۳۸-۷۵۵.

صرفاً به وجود زبان مستقیم برای یک گروه انسانی وابسته باشد. از سوی دیگر، انسان محوری نیز می تواند نقش مهمی در توجیه جرم انگاری اکوساید داشته باشد، به ویژه زمانی که مفهوم «نسل های آینده» مورد توجه قرار گیرد. بسیاری از خسارت های زیست محیطی در زمان وقوع، آثار کامل خود را نشان نمی دهند و پیامدهای آن ها ممکن است سال ها یا حتی دهه ها بعد آشکار شود. تخریب جنگل ها، آلودگی منابع آب، نابودی تنوع زیستی و انتشار گسترده آلاینده ها می تواند شرایط زندگی نسل های آینده را تحت تأثیر قرار دهد.^۱ بنابراین، حتی اگر محیط زیست صرفاً از منظر منافع انسانی مورد حمایت قرار گیرد، گستردگی زمانی و مکانی پیامدهای تخریب محیط زیست می تواند مبنای کافی برای توجیه حمایت کیفری فراهم کند. در این حالت، جرم انگاری اکوساید نه به دلیل ارزش مستقل طبیعت، بلکه به دلیل ضرورت حفاظت از شرایط اساسی زندگی انسان در حال و آینده توجیه می شود. در نتیجه، تفاوت میان انسان محوری و بوم محوری را نباید به صورت یک تقابل مطلق میان «حمایت» و «عدم حمایت» از جرم انگاری اکوساید در نظر گرفت؛ بلکه تفاوت اصلی در مبنای ارزشی و دامنه حمایت آن هاست. بر این اساس، می توان گفت نگرش بوم محور و انسان محور ممکن است در نقطه نهایی، یعنی ضرورت مقابله با تخریب شدید محیط زیست، به نتیجه ای مشابه برسند، اما مسیر استدلال آن ها متفاوت باشد. بوم محوری بر ارزش مستقل طبیعت تأکید می کند و از این جهت می تواند حمایت کیفری از اکوسیستم هایی را توجیه کند که هنوز خسارت مستقیم و قابل توجهی به انسان وارد نکرده اند. در مقابل، انسان محوری تلاش می کند همین حمایت را از طریق ارتباط میان محیط زیست و منافع انسانی توضیح دهد. این تفاوت در مبنا می تواند در موارد مرزی اهمیت زیادی پیدا کند؛ برای مثال، در مورد تخریب یک زیستگاه طبیعی که آثار آن بر انسان در کوتاه مدت محدود است، رویکرد بوم محور احتمالاً اهمیت بیشتری برای خود خسارت زیست محیطی قائل می شود، در حالی که رویکرد انسان محور ممکن است ضرورت مداخله کیفری را بر اساس پیامدهای احتمالی آن برای سلامت، اقتصاد یا نسل های آینده ارزیابی کند. در نهایت، از منظر روان شناختی و اجتماعی، رابطه میان نگرش زیست محیطی و حمایت از جرم انگاری اکوساید را باید رابطه ای احتمالی و چند عاملی دانست، نه یک رابطه قطعی. نگرش افراد نسبت به طبیعت می تواند بر نحوه ارزیابی آن ها از ضرورت مداخله کیفری اثر بگذارد، اما عواملی مانند سطح آگاهی زیست محیطی، آموزش، ارزش های اخلاقی، تجربه مستقیم از خسارت زیست محیطی، اعتماد به نظام عدالت کیفری و نگرش نسبت به نقش دولت و شرکت ها نیز می توانند در این زمینه مؤثر باشند. بنابراین، نمی توان صرفاً بر اساس بوم محور یا انسان محور بودن یک فرد، میزان حمایت او از جرم انگاری اکوساید را پیش بینی کرد. با این حال، مطالعه این دو نگرش می تواند نشان دهد که افراد چگونه درباره ارزش طبیعت، حدود مسئولیت انسانی و ضرورت استفاده از ابزار کیفری برای مقابله با تخریب محیط زیست تصمیم گیری می کنند. از این منظر، جرم انگاری اکوساید را می توان نه تنها یک تحول در حقوق کیفری محیط زیست، بلکه بازتابی از تغییرات عمیق تر در نگرش اخلاقی و اجتماعی نسبت به رابطه میان انسان و طبیعت دانست.

۴- نتیجه گیری

رابطه میان نگرش انسان محور و بوم محور و حمایت از جرم انگاری اکوساید را می توان در نقطه تلاقی روان شناسی، اخلاق محیط زیست و حقوق کیفری بررسی کرد. انسان محوری و بوم محوری بیش از آنکه دو نوع شخصیت کاملاً مستقل باشند، دو چارچوب متفاوت برای ارزش گذاری رابطه انسان و طبیعت هستند و می توانند بر نحوه ارزیابی تخریب محیط زیست تأثیر بگذارند. افراد دارای نگرش انسان محور ممکن است ضرورت حفاظت کیفری از محیط زیست را بیشتر بر اساس آثار تخریب بر سلامت، امنیت، اقتصاد و رفاه انسان توجیه کنند، در حالی که افراد دارای نگرش بوم محور ممکن است برای طبیعت و اکوسیستم ها ارزش مستقل قائل شوند و در نتیجه، حتی تخریب هایی را که پیامد فوری انسانی ندارند، شایسته توجه حقوقی و کیفری بدانند. از این منظر، می توان انتظار داشت که نگرش بوم محور با حمایت گسترده تر از ایده جرم انگاری اکوساید ارتباط داشته باشد؛ با این حال، چنین ارتباطی نباید به عنوان یک رابطه قطعی یا تنها عامل تعیین کننده تلقی شود. عواملی مانند آگاهی زیست محیطی، فرهنگ، آموزش، تجربه های شخصی، ارزش های اخلاقی، همدلی، مسئولیت پذیری و شناخت پیامدهای بلندمدت تخریب محیط زیست نیز می توانند در شکل گیری نگرش افراد نقش داشته باشند. همچنین

^۱ Killean, Rachel, and Elizabeth Newton. "From ecocide to ecocentrism: Conceptualising environmental victimhood at the International Criminal Court." *International Review of Victimology* ۳۱, no. ۲ (۲۰۲۵): ۲۳۸-۲۶۴.

افراد انسان‌محور نیز می‌توانند از جرم‌انگاری اکوساید حمایت کنند، زیرا حفاظت از محیط زیست را برای حفظ زندگی و رفاه انسان و نسل‌های آینده ضروری می‌دانند. بنابراین، تفاوت اصلی ممکن است نه در اصل حمایت از حفاظت کیفری محیط زیست، بلکه در مبنای ارزشی این حمایت و حدود آن باشد. در نهایت، بررسی تجربی رابطه میان انسان‌محوری، بوم‌محوری و حمایت از جرم‌انگاری اکوساید می‌تواند زمینه‌ای برای مطالعات میان‌رشته‌ای میان روان‌شناسی شخصیت، حقوق کیفری و حقوق محیط زیست فراهم کند. چنین مطالعاتی می‌توانند نشان دهند که چگونه نگرش‌های متفاوت نسبت به ارزش طبیعت بر پذیرش اجتماعی سیاست‌های کیفری جدید اثر می‌گذارند و درک دقیق‌تری از عوامل روان‌شناختی مؤثر بر حمایت از حفاظت حقوقی و کیفری محیط زیست ارائه دهند.

منابع:

- ۱- محمدپور، فراهانی، حجت‌اله و آزادفلاح. «تبیین رابطه صفات شخصیت و رفتارهای حفاظت از محیط‌زیست با نقش واسطه‌ای دلبستگی به مکان». پژوهش‌های روان‌شناسی/اجتماعی، سال ۱۳، شماره ۵۱ (۲۰۲۳): ۱۹-۳۲، صص. ۲۲-۲۳.
- ۲- یاری‌قلی بهبود و بهادری خسروشاهی، جعفر. «بررسی تطبیقی مفهوم همدلی از منظر روان‌شناسی و مبانی اسلامی». (۲۰۱۸): ۱۵۵-۱۶۳، صص. ۱۵۶-۱۵۹.
- ۳- Zhang, Daowei, and Anne Stenger. "Value and valuation of forest ecosystem services." *Journal of Environmental Economics and Policy* ۴, no. ۲ (۲۰۱۵): ۱۲۹-۱۴۰. P.۱۳۰
- ۴- Kortenkamp, Katherine V., and Colleen F. Moore. "Ecocentrism and anthropocentrism: Moral reasoning about ecological commons dilemmas." *Journal of environmental psychology* ۲۱, no. ۳ (۲۰۰۱): ۲۶۱-۲۷۲.
- ۵- Jodyvash, Mohammadreza. "The Feasibility of Ecocide as a Solution to the Climate Crisis." *International Community Law Review* ۲۸, no. ۴ (۲۰۲۶): ۳۱۶-۳۵۲.
- ۶- Killean, Rachel, and Elizabeth Newton. "From ecocide to ecocentrism: Conceptualising environmental victimhood at the International Criminal Court." *International Review of Victimology* ۳۱, no. ۲ (۲۰۲۵): ۲۳۸-۲۶۴.
- ۷- Zhang, Daowei, and Anne Stenger. "Value and valuation of forest ecosystem services." *Journal of Environmental Economics and Policy* ۴, no. ۲ (۲۰۱۵): ۱۲۹-۱۴۰.
- ۸- Kopnina, Helen, Haydn Washington, Bron Taylor, and John J Piccolo. "Anthropocentrism: More than just a misunderstood problem." *Journal of Agricultural and Environmental Ethics* ۳۱, no. ۱ (۲۰۱۸): ۱۰۹-۱۲۷.
- ۹- Killean, Rachel, and Elizabeth Newton. "From ecocide to ecocentrism: Conceptualising environmental victimhood at the International Criminal Court." *International Review of Victimology* ۳۱, no. ۲ (۲۰۲۵): ۲۳۸-۲۶۴.
- ۱۰- Taylor, Bron, Guillaume Chapron, Helen Kopnina, Ewa Orlikowska, Joe Gray, and John J. Piccolo. "The need for ecocentrism in biodiversity conservation." *Conservation Biology* ۳۴, no. ۵ (۲۰۲۰): ۱۰۸۹-۱۰۹۶. P.۱۰۹۱.
- ۱۱- Rottman, Joshua, Deborah Kelemen, and Liane Young. "Hindering harm and preserving purity: How can moral psychology save the planet?." *Philosophy Compass* ۱۰, no. ۲ (۲۰۱۵): ۱۳۴-۱۴۴. P. ۱۳۵
- ۱۲- Mayers, Solomon. "Greening the International Criminal Court: A Critical Inquiry into Environmental Liability under the Rome Statute." *Edinburgh Student Law Review* ۶, no. ۱ (۲۰۲۶). Pp.۱۰-۱۱
- ۱۳- Isbell, Forest, David Tilman, Stephen Polasky, and Michel Loreau. "The biodiversity-dependent ecosystem service debt." *Ecology letters* ۱۸, no. ۲ (۲۰۱۵): ۱۱۹-۱۳۴. P.۱۱۹
- ۱۴- Minkova, Liana Georgieva. "Ecocide, sustainable development and critical environmental law insights." *Journal of International Criminal Justice* ۲۲, no. ۱ (۲۰۲۴): ۸۱-۹۷. Pp.۸۲-۸۴
- ۱۵- Foley, Jonathan A., Ruth DeFries, Gregory P. Asner, Carol Barford, Gordon Bonan, Stephen R. Carpenter, F. Stuart Chapin et al. "Global consequences of land use." *science* ۳۰۹, no. ۵۷۳۴ (۲۰۰۵): ۵۷۳-۵۷۴.
- ۱۶- Vincenzo, E. L. I. A. "Ecocide to Effectively stimulate the integration of international environmental and criminal laws." *Asian Journal of International Law* ۱۶, no. ۱ (۲۰۲۶): ۱-۱۲. P.۸
- ۱۷- Mikkelsen, Gregory M., and Colin A. Chapman. "Individualistic Environmental Ethics." *Environmental Ethics* ۳۶, no. ۳ (۲۰۱۴): ۳۳۳-۳۳۸. P.۳۳۳
- ۱۸- Robinson, Darryl. "Humans matter too: a misanthropic misunderstanding of ecocentrism is derailing the ecocide debate." *The International Journal of Human Rights* (۲۰۲۶): ۱-۲۱.
- ۱۹- Kortenkamp, Katherine V., and Colleen F. Moore. "Ecocentrism and anthropocentrism: Moral reasoning about ecological commons dilemmas." *Journal of environmental psychology* ۲۱, no. ۳ (۲۰۰۱): ۲۶۱-۲۷۲.
- ۲۰- Gillett, Matthew. "'Human, all too human': the anthropocentricisation of ecocide." *The International Journal of Human Rights* ۳۰, no. ۶ (۲۰۲۶): ۱۲۹۲-۱۳۱۹.

- ۲۱- Widiartana, Gregorius, Vincentius Patria Setyawan, and Ariesta Wibisono Anditya. "Ecocide as an environmental crime: urgency for legal reform in Indonesia." *Journal of Law, Environmental and Justice* ۳, no. ۲ (۲۰۲۵): ۲۶۸-۳۰۸.
- ۲۲- Minkova, Liana Georgieva. "Ecocide, sustainable development and critical environmental law insights." *Journal of International Criminal Justice* ۲۲, no. ۱ (۲۰۲۴): ۸۱-۹۷.
- ۲۳- Bertram, Daniel. "Environmental justice "light"? Transnational tort litigation in the corporate anthropocene." *German Law Journal* ۲۳, no. ۵ (۲۰۲۲): ۷۳۸-۷۵۵.
- ۲۴- Killean, Rachel, and Elizabeth Newton. "From ecocide to ecocentrism: Conceptualising environmental victimhood at the International Criminal Court." *International Review of Victimology* ۳۱, no. ۲ (۲۰۲۵): ۲۳۸-۲۶۴.